

تأثیر شعر در روان انسان

بحث از چیستی شعر، بحث دشوار و به اعتبار دیگر غیر ممکن می باشد، چرا که تا کنون به اندازه ی عمر آدمی که از پیدایش شعر می گذرد، تعریف جامع و کلی از آن صورت نگرفته است.

رضا براهنی در کتاب "طلا در مس" می نویسد:

"تعریف شعر کار بسیار مشکلی است، اصولاً یکی از مشکل ترین کارها در این زمینه است، شاید بشود گفت که شعر تعریف ناپذیر ترین چیزی است که وجود دارد."

بدین ترتیب نمی توان یک تعریف خاص را از شعر ارائه نمود، اما برای شناخت نظرات نویسندگان گذشته و حال و تفاوت های موجود میان تعبیر شان، چند تعریف از آنها را در اینجا نقل می کنیم.

شمس قیس رازی در "المعجم فی معایر اشعار العجم" می نویسد:

"شعر سخنی است اندیشیده، مرتب، معنوی، موزون، متکرر، متساوی، حروف آخرین آن به یکدیگر مانده."

این تعریف به چهار عنصر اندیشه، وزن، قافیه، زبان نظارت دارد.

دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی از کتاب شفای ابن سینا بلخی فصل پنجم مقاله پنجم چنین نقل می کند:

"شعر کلامی است مخیل، ترکیب شده از اقوالی دارای ایقاعاتی که در وزن متفق و متساوی و متکرر باشند و حروف خواتیم آن متشابه باشند."

بدین ترتیب شعر یکی از مهمترین ابزار ابراز احساسات درونی انسان می باشد. توسط شعر می توان آنچه را که نمی توان با کتاب ها و

صفحات نوشت، در شعر موزن آنرا بیان کرد. دقیقاً هر آن چیزی که از حالت گسترده و مفصل به حالت خلاصه و موزون و معنی دار

تبدیل شود در ذهن انسان باقی می ماند و می تواند روان انسان را که همیشه به دنبال بیان چنین یک موضوع باشد، متاثر بسازد.

انسان ها همه تاثیر پذیرند. شعر یکی از وسیله ی ادبی ای است که می تواند به آسانی روان انسان را تحت تاثیر قرار دهد. هر یک از

افراد، شعر شاعر را به سهم خود تفسیر و تحلیل می نماید که در کل آنچه مرام و هدف شاعر است، همانا تاثیر گذاری شعر بر روان

انسان و دگرگونی درونی فرد می باشد.

انسان ها همه، دارای فطرت نیکو اند. هر انسان در زندگی تلاش می ورزد تا باشد به مقام برتر و مدارج بهتر دنیوی دست پیدا کنند. از

ابتداء، خانواده بالای کودک زحمت میکشد تا بزرگ شود و تعلیم و تحصیل فرا گیرد، بعداً وقتی شخص خود به پا ایستاد می شود، می

داند که دامان مادر جای بسا آرام بخش بود و وقتی پا به دنیا گذاشت، زحمات و رنجش دنیوی آغاز می گردد.

در اینجا شاعر تمام موارد مفصل که انسان از دامان مادر بیرون شده و پا به دنیا می گذارد و رنجش شروع می شود، را در یک بیت

شعر خلاصه نموده و روان انسان را دگرگون و متاثر می سازد:

طفلی و دامان مادر خوش بهشتی بوده است

تا به پای خود روان گشتیم سرگردان شدیم

پس دیده شد که درون مایه ی این شعر چه قدر بالای روان آدمی تاثیر گذار و سازنده است.

هنگامی که انسان در تلاش است تا زندگی برتر داشته باشد، باید به مراتب زیاد تر کوشش نماید، چون: علم فرا گیرد، ادب در سر

داشته باشد، صبور باشد، فراز و فرود زندگی را تحمل داشته باشد، با رنجش دنیوی دست و پنجه نرم کند، و بالاخره فرایند خوشبینی

به زندگی خود را مدام تعقیب نماید.

وقتی انسان در تمامی موارد زندگی که در بالا ذکر گردید، کوشش می نماید و تلاش می ورزد، اما به اندازه که توقع می رود، پاداش

دنیوی و آنچه خواهانش است، بدست نمی آورد. در این جا انسان ها اندکی به طرف نا امیدی رو می آورند که هر آنقدر کوشش و

تلاش ورزیدیم اما به اندازه ی کافی مکافات دنیوی و حاصلش درست بدست ما نیامد. گاهی این چنین افراد دست از تلاش بعدی بر

می دارند.

آری، همه چیز به زود ترین فرصت بدست نمی آید، هر چه ما به دست می آوریم باید صبر پیشه کنیم، تا باشد چیز های مناسب در

وقت معین آن برای ما داده شود.

در شعر زیر، شاعر در متن شعر خود چنین بیان میدارد که آن دسته از افرادی که در زندگی تلاش نمی‌ورزند، گویا خود برای ختم آرزو های خود کوشیده اند:

**موجیم که خاموشی ما عدم ماست
ما زنده بر آنیم که آرام نداریم**

بدون شک متن شعر بالا، که مراد از موج همانا کوشش در زندگی است و عدم آن خاموشی و از دست دادن آرزو می باشد، بیان شده است.

هر آن فردی که در زنده گی خود با چنین یک موضوع مواجه شده باشد و شعری مرتبط را بخواند، در حقیقت بالای روان آن تاثیر مثبت می داشته باشد و می تواند از معنی و تفسیر چنین شعر، الهام بگیرد.

**با درود
جمشید مطمین**